

«زن و مطالعات خانواده»

سال دوازدهم - شماره چهل و هشتم - تابستان ۱۳۹۹

ص ص: ۱۰۵-۱۲۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۴

علل و عوامل فرار دختران از منزل (مطالعه موردی شهر آمل)

ناصر پیکری^۱

محمد بارانی^۲

عبداله حسن زاده^۳

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی علل و انگیزه های فرار دختران از خانه انجام شده و تلاش نموده است تا پدیده فرار از خانه را از جوانب مختلف مورد مطالعه قرار دهد. این پژوهش به شیوه کیفی و با تکنیک تحلیل محتوا انجام گرفته است. در این مطالعه با ۱۰ دختر که از منزل فرار کرده و در سال ۱۳۹۸ در مراکز بهزیستی و مراکز انتظامی تشکیل پرونده داده بودند، مصاحبه عمیق انجام داده شد و مطالب بیان شده، در چند مرحله مقوله بندی و تحلیل شدند. همچنین با تعدادی از کارشناسان بهزیستی و اورژانس اجتماعی شهرستان های آمل، ساری و تعدادی از کارشناسان انتظامی شهر آمل و ساری در خصوص علل و عوامل فرار دختران از منزل مصاحبه نیمه ساختار یافته بعمل آمد. نتایج پژوهش حاضر در چهار مقوله اصلی تحت عناوین؛ خانواده، فرد، جامعه و سازمان های حامی و حمایت گر دسته بندی گردید. نتایج تحقیق بیانگر این است که خانواده به عنوان اولین و مهم ترین نهاد جامعه، نقش بسزایی در تربیت، پرورش و اجتماعی نمودن فرزندان با معیارها و ارزش های جمعی به عهده دارد و در صورت کژکارکردی یا کارکرد نامناسب، عواقب و پیامدهای ناگواری در انتظار فرزندان خواهد بود. عامل دوم شخصیت فرد و خصیصه های فردی است که در روبرو شدن با مشکلات و مسایل خانوادگی و اجتماعی، واکنش و پاسخ نشان خواهد داد. عامل سوم جامعه و عناصر آن هست که در تشدید یا کاهش آسیب های فرزندان نقش مهمی بر عهده دارند. در نهایت نقش سازمان های حامی و حمایت گر است که در صورت ناکارآمدی خانواده، شخصیت متزلزل فرد و فضای جامعه، نقش مهمی در تعدیل، بازپروری، اصلاح و بازاجتماعی فرد آسیب دیده برعهده خواهند داشت.

واژگان کلیدی: فرار از منزل، دختران فراری، شهر آمل، منزل

^۱. دانشجوی دکتری، گروه جرم شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

^۲. استادیار، گروه جرم شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

^۳. دانشجوی دکتری، گروه پیشگیری از جرم، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

مقدمه

فرار دختران از منزل یک مسئله اجتماعی است که بسیاری از خانواده‌های جوامع امروزی را درگیر خود نموده است. علل و عوامل بوجود آورنده این پدیده در جوامع مختلف با وجود اشتراکات، دارای تفاوت‌هایی هم می‌باشد. نخستین علت مشترک در تمام جوامع را باید در سبک تربیتی و روابط درون خانواده جستجو نمود. موضوعی که در تمام تحقیقات و پژوهش‌ها به آن اشاره شده و نقش پررنگ و بی‌بدیلی برای آن در نظر گرفته است. خانواده اولین نهاد و هسته اصلی اجتماع است که یکی از کارکردهای اصلی آن فرزندآوری و تربیت و پرورش آنها است. محیط خانواده نخستین مرکزی است که کودکان در آن رشد و تربیت می‌شوند و با اصول و قواعد زندگی آشنا می‌گردند. چنانچه خانواده‌ای از عهده این وظیفه برنیاید و محیطی مناسب برای رشد، تربیت و پرورش اعضای خود فراهم ننماید شروع کجروی‌ها و ناهنجاری‌های رفتاری کودکان در شخصیت آنها رقم می‌خورد. یکی از پیامدها و عواقب کژکارکردی‌های خانواده‌ها، فرار دختران است. منظور از فرار آن است که دختر نوجوان زیر ۲۵ سال بدون اجازه و رضایت والدین یا هر فرد دیگری که مسئول نگهداری وی است، منزل یا محل زندگی خود را ترک می‌نماید. با توجه به معیارهای ارزشی و اخلاقی جامعه ایرانی، در این خصوص آمار و ارقام مستدل و قابل استنادی وجود نداشته ولی این پدیده نامطلوب هر از چندگاهی به عنوان یک دغدغه و دل‌مشغولی در صحبت‌ها و مصاحبه‌های مسئولین دیده می‌شود. در جستجوی به عمل آمده از اخبار رسانه‌ای و برخی مراکز ارائه آمار در خصوص دختران فراری، آخرین مصاحبه در شهریور سال ۹۷ توسط آقای بیات‌نژاد مدیرکل بهزیستی استان تهران است که جدیدترین آمار این گروه از دختران را مربوط به سال ۹۶ عنوان نموده و تعداد آنها را ۱۶۴ نفر در میانگین سنی ۱۱ تا ۱۶ اعلام نمودند.

سایر استان‌های کشور هم وضع مشابهی در خصوص آمار و ارقام فرار دختران وجود داشته و مسئولین از اعلام آن خودداری می‌نمایند. شهرستان آمل یکی از شهرهای مهم و تاثیر گذار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی استان مازندران می‌باشد که با جمعیت بیش از ۴۱۰ هزار نفر، دارا بودن شهرک‌های صنعتی، مهاجرپذیری مستمر از دیگر استان‌ها، موقعیت جغرافیایی (نزدیک‌ترین شهرستان شمالی به پایتخت در محور هراز) و از سوی دیگر تعدد دانشگاه‌ها و دانشجوپذیری از اکثر استانهای همجوار خصوصاً تهران، ویژگی‌های قومیتی پذیرش اقوام مختلف و همزیستی مسالمت آمیز با فرهنگ‌های مختلف یک نشانگاه مناسب برای رفت و آمد دائمی مهاجران و افراد غیر بومی و مسافر می‌باشد و در ۱۰ سال اخیر نیز بیشترین تعداد فرار از منزل گزارش شده در بین سایر شهرستان‌های استان مازندران را به خود اختصاص داده و بیش از ۲۰٪ آمار فرار از منزل در استان در این شهرستان رخ داده است.

بنابراین فرار دختران از منزل یک پدیده اجتماعی است که با فرهنگ ایرانی-اسلامی حاکم بر جامعه ایرانی ناسازگار بوده و عواقب و پیامدهای ناخوشایند و شومی برای دختران فراری و نگرانی و دغدغه‌هایی برای خانواده آنها رقم خواهد زد. تحقیق حاضر در تلاش است با مطالعه کیفی این پدیده در سطح

شهر امل، علل و انگیزه‌های فرار دختران از منزل را تبیین و در انتها با توجه به نتایج تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، راهکارهای عملی برای پیشگیری از این پدیده اجتماعی ارائه نماید.

اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به روند روبه رشد فرار دختران و زنان از منزل از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ برابر آمار اعلامی و مندرج در این پژوهش، اهمیت مساله فرار و ضرورت تحقیق در خصوص شناخت عوامل موثر بر آن، به منظور چگونگی مدیریت افراد و خانواده‌های آسیب‌پذیر و در معرض خطر، مسولیت اجتماعی ناجا و سازمان بهزیستی در زمینه پیشگیری آسیب‌های اجتماعی از جمله فرار دختران از منزل، ایجاب می‌کند تا با استفاده از دیدگاه‌های صاحب نظران و کنکاش میدانی، وضعیت موجود فرار دختران از منزل از طریق مصاحبه با صاحب نظران و کارشناسان سازمان‌های مرتبط مورد بررسی و مطالعه قرار و اقدام و راهکار متناسب با وضعیت فعلی ارائه گردد و اگر تحقیق علمی و آسیب شناسی میدانی از این روند صورت نگیرد ممکن است در آینده وقایع ناگوار و نابخشودنی در سطح جامعه پدید آید.

پیشینه تحقیق

در این پژوهش سعی گردیده پیشینه تجربی مرتبط‌ترین و نزدیکترین پژوهش‌های صورت گرفته ارائه گردد.

اردلان و همکاران در پژوهشی با عنوان عوامل موثر بر فرار دختران از خانه با روش کیفی و مطالعه مورد-شاهد با حجم نمونه ۲۸۱ مورد و ۲۵۰ شاهد در مراکز سازمان بهزیستی و سازمان زندانها از جامعه آماری دختران ده استان کشور (۱۳۸۶) به این نتیجه رسیدند که؛ ضعف و دستیابی نابرابر به منابع ارزشمند اجتماعی، بی سرپرستی و بدسرپرستی خانواده، طلاق، ضعف شبکه حمایت اجتماعی، سوء استفاده و آزار، طرد و غفلت در خانواده، ضعف سازگاری و وابستگی اجتماعی، احساس بی‌قدرتی و بی‌هنجاری از عوامل موثر بر فرار دختران از منزل بوده است.

هاشمی و همکاران در تحقیقی با عنوان عوامل موثر بر فرار دختران از منزل (مطالعه موردی شهرهای تهران و مشهد) سال (۱۳۸۷) در جامعه آماری دختران فراری ۱۲ تا ۲۵ ساله در شهر تهران و مشهد با نمونه آماری ۶۳ نفر در تهران و ۸۰ نفر در مشهد و حجم نمونه دختران عادی ۱۵۰ نفر در تهران و ۱۵۰ نفر در مشهد به روش نمونه‌گیری اتفاقی سیستماتیک در پارک‌ها و مراکز خرید سطح شهرهای تهران و مشهد به این نتیجه رسیدند که تفاوت معناداری در شاخص‌های زیر بین دختران فراری و غیرفراری وجود دارد؛ ناستواری روابط والدین، واگذاری مسؤلیت بزرگسالان به دختران، وجود سابقه جرم یا رفتار انحرافی در خانواده دختران. همچنین نتایج رگرسیونی حاکی از آن است که متغیرهای ناستواری روابط والدین،

سبک تربیتی خانواده، موقعیت اجتماعی اقتصادی، نوع رابطه دختران با پدر، خودپنداره، تضاد دختران با والدین و پایبندی خانواده به ارزش‌های دینی در پیش‌بینی متغیر فرار دختران از منزل معنادار بوده است. سبزی و همکاران در پژوهشی با عنوان رویکرد کیفی بر فرآیند فرار دختران از منزل در شهرستان کرج (۱۳۸۹) به روش کیفی و با ابزار مصاحبه عمیق از تعداد ۱۵ نفر از دختران فراری عواملی چون: تک‌والدی، خرده فرهنگ گروه همسالان، اینترنت، ماهواره‌های خانگی، عدم دسترسی به افراد بزرگسال حامی و نظام‌های جایگزین خانواده در کنار مشکلات موجود در روابط والدین را در فرایند فرار دختران مرتبط دانسته‌اند.

فردوسیان و همکاران در تحقیقی با عنوان بررسی علل فرار دختران از منزل و ارائه راهکارهایی برای مقابله با آن در استان چهارمحال بختیاری (۱۳۹۳) با استفاده از روش آمیخته و ابزار پرسشنامه معکوس با نمونه آماری ۴۰ نفر از دخترانی که فرار را تجربه نموده بودند به این نتیجه رسیدند که دختران به دلایلی همچون: خشونت خانگی خویشاوندان مرد از جمله پدر و برادر، عدم موفقیت در تحصیل، ویژگی‌های روانشناختی، از هم‌گسیختگی خانوادگی، فقر و کمبود امکانات مالی خانواده‌ها و استفاده از امکانات رسانه‌ای جدید همچون ماهواره و موبایل از خانه فرار نموده‌اند.

- یافته‌های پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۰)، نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق دخترانی که از خانه فرار کرده‌اند توسط اعضای خانواده مورد آزار و اذیت‌های جسمی و روانی نظیر کتک خوردن، توهین شنیدن، مراقبت شدید، سرزنش کردن، زندانی کردن، قهر کردن و مسخره کردن قرار گرفته‌اند.

- شماره (۱۳۸۷) تحقیقی در زمینه‌ی متغیرهای جامعه‌شناختی مرتبط با ریسک فرار از خانه در میان ۵۰۰ نفر از دختران شهر مشهد با روش پیمایش انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین تعداد اعضای خانواده، سن و سطح تحصیلات والدین، درآمد والدین و وضعیت تحصیلی با ریسک فرار از خانه در میان دختران نوجوان، رابطه معناداری وجود دارد.

- معظمی (۱۳۸۲) مطالعه‌ای در خصوص دختران فراری شهر تهران انجام داده است. در این مطالعه ۱۰۰ دختر نوجوان فراری مورد بررسی قرار گرفته و معلوم شده است که بیش از نیمی از دختران فراری مورد مطالعه، در خانواده‌های از هم‌گسیخته زندگی می‌کرده‌اند.

وردی نیا و همکاران در سال ۱۳۸۹ در پژوهش میدانی به مطالعه جامعه‌شناختی گرایش دختران به فرار از منزل در سطح دانش آموزان سوم دبیرستان منطقه ۱۸ تهران پرداخته که یک چهارم دانش آموزان مورد بررسی گرایش متوسط و بالایی به فرار داشته و در رشته‌های کار و دانش و علوم انسانی درصد بالاتری داشته و از این بین بیشترین میزان آن متعلق به بعد رفتاری، سپس عاطفی و کمترین آن بعد شناختی بوده است.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش چگونگی فرایند فرار دختران از منزل در شهر آمل و ارایه راهکارهای پیشگیرانه برای خانواده‌ها و افراد در معرض آسیب می‌باشد.

سوال تحقیق

عوامل موثر بر فرایند فرار دختران از منزل در شهر آمل چگونه است؟

مبانی نظری

با مروری بر مطالعات انجام گرفته در خصوص موضوع فرار دختران از منزل در ایران می‌توان دریافت که این پدیده تحت تاثیر عواملی مختلف شامل؛ سبک تربیتی و روابط درون خانواده، نظام ارزشی و اجتماعی حاکم بر روابط افراد، ضعف ساختارها و شبکه‌های حمایتی و اجتماعی، کارکرد رسانه‌ها و ویژگی‌ها و سرخوردگی‌های فردی است. نقش خانواده در تمام پژوهش‌ها و مطالعات بعنوان اصلی‌ترین عامل در این پدیده می‌باشد. خانواده به مثابه اجتماعی طبیعی "مایی" را تشکیل می‌دهد که در یک میدان تعاملی گرم با حریم نسبتاً شخصی بوجود آمده و اعضای "ما" نسبت به آن احساس "تعلق" و "وابستگی" مشترک دارند و در مقابل "ما" نیز به آن نوعی هویت جمعی مشترک اعطا می‌کند (چلبی، ۱۳۷۵: ۹۲).

امرسون با بیان موضوع پاسخ‌های آخرین پناه اظهار می‌کند که این پاسخ‌ها زمانی روی می‌دهند که افراد از تمام راه حل‌های ممکن خسته و ناامید شده باشند. فرار از منزل نیز برای نوجوانانی که در خانواده‌های مشکل دار به سر می‌برند و راه حل مشکلات در خانواده آنها به جای بحث آرام، در نهایت درگیری و خشونت است، "آخرین پناه" محسوب می‌شود. هر چند ممکن است راه‌های دیگری نیز برای نوجوان وجود داشته باشد، وی هیچ‌گونه ایده یا اطلاعی از آنها ندارد (جوادی یگانه و فروغ الدین عدل، ۳۰: ۳۱؛ ۱۳۸۴). از نظر سالیوان نیز تعارضات شدید خانوادگی، بدرفتاری یا انعطاف ناپذیری نظام خانواده منجر به فرار کودکان از خانه می‌شود. برکویتزر نیز گرایش دختران نوجوان به فرار از منزل و پرخاشگری را ناشی از رویارویی با وقایع آزاردهنده می‌داند (فتحی، ۱۳۸۶: ۷۸).

ساترلند معتقد است؛ نگرانی‌ها و نیازهای ارضا نشده افراد عادی و بزهکار شبیه هم است و تنها، روش‌های یاد گرفته شده برای واکنش به این نگرانی‌ها و محرک‌ها در آنان متفاوت است. خانواده به عنوان محیط یادگیری اولیه نوجوانان در بزهکاری مؤثر است و معمولاً وجود شرایط زیر در خانواده موجب ارتکاب بزه در فرزندان می‌شود:

الف) بزهکاری سایر افراد خانواده یا فساد اخلاقی و الکلی بودن آنها؛

ب) فقدان والدین در اثر فوت یا طلاق یا ترک یکدیگر؛

ج) وجود ناسازگاری در منزل، نظیر سلطه‌گری یا سختگیری بیش از حد معمول یکی از اعضای خانواده؛

د) فشارهای اقتصادی نظیر بیکاری و درآمد ناکافی (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۳۱).
 ویت بیک و همکاران (۱۹۹۷) در پژوهش هایشان بیان کرده اند: اکثر مقالاتی که در زمینه فرار از منزل نوشته شده اند، به نظر میرسد بر اساس نظریه پردازی هومر در سال ۱۹۷۳ انجام شده است. وی پدیده فرار از منزل را در دو بخش "فرار از" و "فرار به" می بیند. "فرار از" آنهایی هستند که به دلیل وجود مشکلات با والدینشان می گریزند و "فرار به" آنهایی هستند که جذب هیجانانگیز و جذابیت های خرده فرهنگ های خیابانی می شوند. تمایل به فرار از محیط در مورد جوان ها بخصوص افراد ۱۲ ساله تا ۲۰ ساله قوی تر و جدی تر است. فرار از خانه برای نوجوان، نتیجه یک مسأله پیچیده و لاینحل و برای خانواده یک مسأله مربوط به روابط متقابل و برای جامعه یک مسأله اجتماعی است. فرار نوجوان از خانه، یک مشکل و معضل حاد و عمومی مبتلا به نهاد خانواده نیست؛ ولی نمود آشکاری از وجود مسأله ای عمیق تر و پیچیده تر به نام مسأله ارتباط نوجوانان با والدین است. روهر (۱۹۹۶) در جامعه آمریکا فرار از خانه را بازتاب خشونت خانگی دانسته است. نظریه ی واکنش اجتماعی هاروارد و ادوین لموت در این خصوص معتقد است که در خانواده های نابسامان فرصت اجتماعی برای جامعه پذیری سالم فرزندان وجود ندارد و شبکه روابط شخصی از بهم ریختگی آن حکایت می کند. (فردوسیان و مهری، ۱۳۹۳: ۹۳).

باثو و همکاران در پژوهش خود دریافتند زمینه های بد رفتاری در خانواده و هم چنین استقلال زودرس نوجوانان، آن ها را وادار می نماید تا به منظور حمایت های خاص به جایگزین هایی تکیه نمایند. شواهد قابل ملاحظه ای وجود دارد که تعداد قابل توجهی از نوجوانان فراری به دلیل شرایط نامناسب خانوادگی خانه هایشان را ترک می نمایند. در این زمینه باثو در بررسی خود، خطر جدی سوء استفاده های جسمی و جنسی را نشان می دهد (Bao, et al., 2000: 408-420).

صمدی راد (۱۳۸۱) در بررسی خود دریافت که زندگی با نامادری یا ناپدری، وجود فرزندان زیاد در خانواده، نبود یکی از والدین به دلیل طلاق یا فوت، وجود افراد معتاد در خانواده، کم توجهی خانواده نسبت به دختران، وجود اختلاف بین اعضای خانواده، احساس تبعیض، کتک خوردن، کنترل از سوی افراد خانواده، تهدید به اخراج، احساس بی ارزشی، شنیدن فحش و ناسزا و... بر فرار دختران موثر بوده است (اردلان و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵۹).

یکی دیگر از موضوعات تاثیرگذار فرهنگ نامناسب در زمینه بهره برداری از امکانات و فناوری های جدید در خانواده و جامعه زمینه ساز فرار دختران از منزل می شود. سریال های شبکه های تلویزیونی ماهواره ای، عضویت در شبکه های اجتماعی، پیام رسانی های ارتباطی، امکان برخورداری از چندین سیمکارت اپراتورهای مختلف با هزینه ارزان و سهولت برقراری ارتباط با وجود گمنامی و ناشناختگی است که به این پدیده سرعت و شدت بیشتری می بخشد. از جمله دیدگاه های رایج درباره تأثیر گذاری رسانه ها بر مخاطبان نظریه دریافت پرورش است. در این نظریه ادعا می شود که تماس طولانی مدت با تصاویر و موضوعات رسانه ای بر درک یا دریافت مخاطبان از موضوعات مذکور تأثیر می گذارد. در تحولات نظری بعدی مفهوم

چارچوب سازی نیز به نظریه مذکور اضافه شد و استدلال بر این بود که چارچوب های ساخته شده توسط رسانه ها، اطلاعات را به گونه ای گزینشی برجسته و به هم مربوط می کنند. این چارچوب ها، به تدریج نگرش های مخاطبان را پرورش می دهند (سیدامامی، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

عامل دیگر نگرش فرد نسبت به خود یا ویژگی های روانی و شخصیتی می باشد. این مسئله که فرد در خانواده و جامعه، احساس اهمیت، احساس خوشبختی و احساس تبعیض می کند می تواند بر تصمیم فرد بسیار مؤثر باشد (معظمی، ۱۳۸۲: ۱۲). کاتز و همکاران او به این نتیجه دست یافتند که تقریباً نیمی از جمعیت فراریان، علائم افسردگی و عزت نفس پایین را نشان می دهند (Kurtz, et al., 1991: 543-555). فتیل و همکاران نیز بر اساس مصاحبه با ۱۵۰ جوان بی خانمان، نرخ بروز اختلال افسردگی اساسی را حدود ۵۰ درصد و اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) را ۲۰ درصد گزارش نمودند. در مطالعه آن ها ۲۷ درصد فراریان اقدام به خودکشی داشتند که این بازتاب وضعیت ناامیدی برخی از این افراد است. چهار ویژگی روان شناختی دیگر شامل عزت نفس پایین، فقدان کنترل ایگو، روش مقابله ناموثر و کانون کنترل برون زا است (Fetel, et al., 1992: 152-159).

عامل مهم دیگر ضعف شبکه های حمایتی و اجتماعی از دختران فراری یا در معرض فرار است. رابرت مرتن با یک دیدی کلی به محدودیت های جامعه در تنظیم نیاز و آرزوهای افراد و گروه ها می پردازد، بلکه بیش از هر چیز، به هم خوردن رابطه بین هدف ها و وسایل مشروع برای دستیابی به آنها را در نظر می گیرد. از نظر مرتن، انحراف در پی تفاوت بین انگیزه های اصلی منبعث از فرهنگ، و امکانات تحقق این انگیزه ها به وجود می آید. او متذکر می شود که این امکانات به پایگاه و قشر اجتماعی افراد وابسته است. از نظر مرتن، آنومی نوعی درهم شکستگی ساختار فرهنگی است. این وضعیت وقتی پیش می آید که بین هدف ها و هنجارهای فرهنگی (نیازها و ارزش های اجتماعی) و امکانات موجود در هر قشر اجتماعی، تفاوت فاحش وجود داشته باشد. در یک جامعه پایدار، بین هدف های اجتماعی - فرهنگی و راه های پذیرفته شده عمومی برای دستیابی به آن تعادل وجود دارد. آنومی وقتی شروع می شود که این رابطه، به هم بخورد (آقابخشی، ۱۳۸۸: ۵۱).

آمار موجود دختران فراری استان مازندران طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷

اطلاعات جدول زیر بر اساس آمار سامانه مرکز فرماندهی و کنترل انتظامی استان عدد کلی دختران و زنان فراری استان مازندران را طی سال های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ نمایش می دهد. آمار زنان و دختران فراری در سال ۱۳۹۰ تعداد ۸۱ نفر و در پایان سال ۱۳۹۷ با تجمیع آمار ۸ ساله، تعداد ۶۱۰ نفر می باشد که بیانگر افزایش ۶۵۳ درصدی فرار زنان و دختران از منزل می باشد (آمار سایر لحاظ نگردیده است). آمار شهر آمل در سال ۱۳۹۰ تعداد ۱۶ نفر و در پایان سال ۱۳۹۷ با تجمیع آمار ۸ ساله تعداد ۱۱۴ نفر است که نشانگر

افزایش ۶۱۲ درصدی فرار زنان و دختران از منزل می‌باشد (بدون لحاظ آمار سایر). اما افزایش سال ۹۰ تعداد ۱۶ نفر نسبت به سال ۹۷ با تعداد ۱۹ نفر، افزایش ۱۹ درصدی را شاهد هستیم.

شهرستان	۹۰		۹۱		۹۲		۹۳		۹۴		۹۵		۹۶		۹۷		جمع کل زنان و دختران	سایر
	زنان و دختران	سایر	زنان و دختران	سایر	زنان و دختران	سایر	زنان و دختران	سایر	زنان و دختران	سایر	زنان و دختران	سایر	زنان و دختران	سایر	جمع کل زنان و دختران	سایر		
آمل	۱۶	۰	۱۸	۰	۷	۰	۱۰	۰	۸	۰	۳	۰	۷	۰	۸	۰	۳۲	۳
بابل	۷	۱	۶	۰	۶	۰	۸	۰	۷	۰	۰	۰	۷	۰	۱	۰	۲	۰
بابلسر	۷	۰	۵	۰	۵	۰	۷	۰	۷	۰	۰	۰	۴	۰	۱	۰	۲	۰
بهشهر	۷	۰	۷	۰	۷	۰	۲	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱۰	۰
تنکابن	۱	۰	۲	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جویبار	۵	۳	۰	۰	۰	۰	۳	۰	۳	۰	۰	۰	۳	۰	۲	۰	۴	۳
رامسر	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۴	۰	۰	۰	۴	۰	۲	۰	۲	۰
ساری	۱۲	۰	۱۰	۰	۰	۰	۴	۰	۱۳	۰	۰	۰	۱۳	۰	۱۳	۰	۱۳	۱
سوادکوه شمالی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سوادکوه	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
سیمرغ	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰
عباس آباد	۶	۰	۲	۰	۲	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲	۰	۲	۰
فریدونکنار	۰	۰	۲	۰	۲	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۲	۰	۲	۰	۲	۰
قائم‌شهر	۵	۰	۴	۰	۴	۰	۲	۰	۱۱	۰	۱	۰	۰	۰	۴	۰	۴	۲
محمودآباد	۸	۶	۶	۰	۶	۰	۰	۰	۴	۰	۰	۰	۲	۰	۰	۰	۰	۰
میاندرد	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۴	۰	۴	۰	۴	۰
نور	۶	۱	۵	۰	۵	۰	۰	۰	۵	۰	۱	۰	۱	۰	۲	۰	۱	۰

آنها وارد مصاحبه شدند. همزمان پرونده های موجود افراد نیز بررسی شد. این پرونده ها ضمن ارائه تصویری مناسب از علل و عوامل فرار از منزل، می توانستند نشان دهنده شیوه ارجاع آنها به مرکز و معرف فرآیند فرار از منزل باشند. مدت مصاحبه ها بین ۱ تا ۲ ساعت متغیر بود. همچنین علاوه بر مصاحبه با برخی از دختران، با تعداد ۸ نفر از مدیران و کارشناسان ارشد سازمان بهزیستی و اورژانس اجتماعی و تعداد ۴ نفر از کارشناسان مشاوره و مرتبط نیروی انتظامی شهرستان که در جریان پرونده های آنان بوده اند، نیز مصاحبه شده است. حجم نمونه با به اشباع رسیدن اطلاعات مشخص شد. تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل محتوا استفاده شد. زمان مصاحبه با هر فرد، اظهارات وی با کسب اجازه ضبط و سپس پیاده سازی و تایپ گردید. برای شناسایی مفاهیم موجود در متن، کل مصاحبه ها جمله به جمله بررسی و به هر جمله یا کلمه کلیدی یک کد داده شد. بدین ترتیب کدهای اولیه شناسایی و در مرحله بعد، کدهای اولیه مشابه در یک طبقه زیرعنوان یک مقوله اصلی جای داده شدند. در نهایت برای صحت اعتبار و پایایی، پس از کدگذاری و طبقه بندی داده ها توسط محقق، میزان اتفاق نظر کارشناسان در مورد کدها و طبقات بررسی و کدها و طبقاتی اختلافی تا رسیدن به مرحله اتفاق نظر اصلاح گردید.

یافته های تحقیق

الف) یافته های توصیفی

توزیع سنی مصاحبه شوندگان نشان می دهد که میانگین سنی این دختران ۱۷ سال و دامنه سنی آنها بین ۱۴ تا ۲۵ سال بوده است. از بین ۱۰ دختری که مورد مصاحبه قرار گرفتند، ۶ نفر تعداد دفعات فرار خود را بیش از سه بار گزارش کردند، ۳ نفر دومین فرار و ۱ نفر اولین فرار از منزل را تجربه می کردند. از بین آنها ۱ نفر سابقه اقدام به خودکشی را داشته است. هر ۱۰ نفر از آنها دارای سابقه ترک تحصیل بوده و از میان ۱۰ نفر، ۱ نفر دانشجوی کاردانی، ۴ نفر تحصیلات ابتدایی، ۱ نفر راهنمایی و بقیه تحصیلات دبیرستانی داشتند. اکثر آنها سطح تحصیلات خود و والدینشان را پ زیر دیپلم گزارش کردند و هیچ یک از مصاحبه شوندگان درباره خدمات حمایتی و مشاوره ای مرکز اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی آگاهی نداشتند. وضعیت اقتصادی تمام خانواده های ۱۰ نفر در حد ضعیف برآورد شده و ۴ نفر از آنها پدرشان زندانی، ۴ نفر از خانواده طلاق، ۳ نفر در حال زندگی با نامادری، یک نفر با مادربزرگ، یک نفر با عمه می باشند. ۶ نفر از آنها دارای تجربه کتک کاری و خشونت فیزیکی توسط برادر و پدر بوده اند. ۷ نفر هم اظهار نموده که یکی از اعضای خانواده آنها دارای اعتیاد به یکی از انواع موادمخدر بوده اند. ۶ نفر از ۱۰ نفر هم دوستی با غیر همجنس را تجربه و دو نفر از آنها مورد اغفال، اذیت و آزار جنسی قرار گرفته اند.

یافته‌های تحلیلی

یافته‌های بدست آمده از داده‌ها در چهار مقوله اصلی یا مسئله محوری دسته‌بندی گردید. (۱) خانواده (۲) فرد (۳) جامعه (۴) سازمان‌های حمایت‌گر

مقوله‌های اصلی و مفاهیم زیرمجموعه

خانواده	فرد	جامعه	سازمان‌های حامی
-اعتیاد والدین -ضعف نظارت والدین -فوت والدین -خلا روابط عاطفی -سبک تربیتی -وضعیت معیشتی -کمرنگی حضور والدین	-ترک تحصیل -لجبازی -شخصیت متزلزل -تصمیمات آنی -ضعف مهارت ارتباطی -اثبات استقلال فردی -درک و فهم نادرست نسبت به اطرافیان -تجربه دوستی خارج از عرف	-زنان قواد و خاله -قلیان سراها، پاتوق‌ها آرایشگاه‌های زنانه -شبکه‌های اجتماعی مجازی و ماهواره -شکاف نسلی فرزندان و والدین -توریستی بوده شهر آمل -نزدیکی شهر آمل به تهران -شناخت کم نسبت به آسیب‌های اجتماعی	-محدودیت بودجه‌ای و دستورالعملی در نگهداری -عدم وجود کارشناس مستقل در اداره بهزیستی -اولویت داشتن سایر آسیب‌ها نسبت پدیده فرار دختران -ضعف برنامه‌های حمایتی اداره بهزیستی

خانواده

نتایج بیشتر تحقیقات نشان می‌دهد دختران بیش‌تر از خانواده‌هایی می‌گریزند که اعتیاد، طلاق، ضعف روابط عاطفی، خشونت، کمرنگ بودن حضور والدین در خانواده بخاطر شاغل بودن، فوت یکی از والدین و ... در آن وجود دارد. بر اساس نظریه وابستگی اجتماعی انحراف در نوجوانان زمانی روی می‌دهد که وابستگی‌های روحی نوجوان با جامعه ضعیف یا قطع شده باشد. بدین ترتیب، ازهم گسیختگی خانواده نقش مهمی در وقوع فرار از خانه ایفا می‌کند؛ فرزندان در خانواده ازهم گسیخته در جستجوی محلی هستند که ضمن احساس امنیت در آنجا، خلأ عاطفی خود در خانواده را با فرد دیگری پر کنند (جوادی یگانه و عدل، ۱۳۸۹: ۲۸-۲۹). تنش در خانواده و عدم برقراری روابط عاطفی بین اعضا، مشکلی بود که در تمام مصاحبه‌ها به آن اشاره شده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد می‌گوید: "به دلیل مشکلاتی که با نامادری داشتم و کسی در خانه به من توجه نمی‌کرد، کم‌کم به معاشرت با دختران و زنان روسپی و سودجو رو آوردم." این تجربه بر اثر نحوه برخورد نامناسب خانواده و اطرافیان بوده و حتی پس از اولین فرار، دیگر خانواده محلی برای پذیرش آنها نبوده و مقدمه شروع رفتارهای شده است. وی در ادامه اظهار می‌دارد: "پس از اولین فرار دیگر با طعنه‌ها و خشونت نامادری و پدر روبرو شدم و مجبور بودم بیشتر اوقات خود را در خارج از خانه با دوستان مثل خودم بگذرانم." اکثر مصاحبه‌شوندگان اظهار داشتند به دنبال اولین فرار، تحقیر، توهین، ضرب و شتم و نسبت دادن القاب زشت، همراه بوده‌اند و دختران، همین برخوردها را

زمینه‌ساز فرار بعدی بیان کردند. برخی از مصاحبه‌شوندگان بی‌سرپرستی و بدسرپرستی را نیز گزارش دادند. زندان، طلاق و جدایی، فوت یکی از والدین از جمله عوامل بروز تک‌والدی بود. یکی از دختران در مصاحبه بیان می‌دارد: "پدر و مادرم از هم جدا شده بودند و پدرم تهران زندانی بود و من با خانواده عمه‌ام زندگی می‌کردم که خود عمه‌ام مطلقه و دارای چهار دختر مجرد بود که دخترانش معتاد و روابط دوستی خارج از منزل با افراد متعدد داشتند." اکثر مصاحبه‌شوندگان بخاطر شرایط داخل خانه و محدودیت‌های موجود اقدام به فرار نموده‌اند.

فرد

گاهی فرار از منزل بخاطر جلب توجه و دیده‌شدن صورت می‌گیرد. هنگامی که فردی، خود را با دیگری مقایسه می‌کند در واقع تواناییهای فرد مقابل را با خود مقایسه می‌کند و خود را به خاطر اینکه نتوانسته در تحصیل یا کار یا ورزش یا هر فعالیت دیگر به موفقیتی دست پیدا کند مورد نکوهش و سرزنش قرار می‌دهد و دچار خودکم‌بینی، افسردگی، ضعف اعتمادبنفس و بهم‌ریختگی روحی و روانی می‌گردد. یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار می‌دارد: "بدنبال ورشکستگی اقتصادی، طلاق والدین و بیماری اعصاب و روان پدر، هیچ آینده روشنی برای خودم پیش‌بینی نمی‌کردم، اعتمادبنفس و امید به زندگی را از دست دادم." یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان ۱۷ ساله می‌گوید: "مادرم فوت شد، پدرم به اتهام سرقت زندان رفت و برادرم هم اعتیاد داشت و من که در خانه پدربزرگ مادری زندگی می‌کردم با دایه‌ها رابطه خوبی نداشتم. وقتی به شرایط فکر می‌کردم غم تمام وجودم را فرا می‌گرفت. بی‌سرپناهی، فقر، آینده نامشخص، افکارم را بهم می‌ریخت و باعث بی‌هدفی و بدبینی نسبت به زندگی در من می‌شد." عدم توفیق در تحصیل، مردود شدن و ترک تحصیل به ویژه در دوران راهنمایی که سن بحرانی بلوغ است از عمده عوامل فرار از خانه است که در مصاحبه‌ها به آن اشاره شده است.

جامعه

بسیاری از نظریه‌پردازان مسئله فرار دختران از منزل را یک پدیده اجتماعی دانسته و معتقدند این پدیده دارای علل، پیامدها و دلالت‌های اجتماعی است. نظریه پیوند هیرشی بر این عقیده است که اگر افراد پیوند شدیدی با نهادهای اجتماعی داشته باشند، باید با هنجارهای اجتماعی سازگار بوده و باورهای اجتماعی را حفظ کنند. به نظر هیرشی هر چه افراد نسبت به پیروی از قواعد و هنجارهای اجتماعی باور کمتری داشته باشند، احتمال بیشتری می‌رود که آنها را نقض کنند. نظریه دیگر هیرشی که با گاتفردسن بنام نظریه خودکنترلی مشهور است، دارای این سوال است که آنچه موجب جرم و انحراف در فرد می‌شود ضعف خودکنترلی در افراد است. آنها معتقدند خودکنترلی پایین ناشی از جامعه‌پذیری ناقص بخصوص در اوایل دوران کودکی هست. یکی از عواملی که در مصاحبه اکثر مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره شده، پیوند اجتماعی ضعیف با دوستان و همسالان سالم و برعکس جایگزینی روابط خود در هرزه‌نگاری شبکه‌های اجتماعی

مجازی، ارتباط با زنان مطلقه، تماشای سریال‌های شبکه‌های ماهواره است که این فرایند اجتماعی شدن، آنها را به این سمت و سو سوق داده است. یکی از مصاحبه شونده‌ها بیان می‌دارد " من دوستی خانوادگی نداشتم و از طرفی محدودیت خانواده، مانع از ارتباط من با دوستی می‌شد. به همین خاطر بیشتر در شبکه‌های اجتماعی با افراد غریبه ارتباط برقرار می‌کردم یا بیشتر اوقات تنهایی‌م را صرف تماشای برنامه شبکه‌های ماهواره می‌کردم." یافته‌های این تحقیق و تحقیقات دیگر هم نشان می‌دهد محیط بیرون از منزل یک عامل پرخطر برای دختران در معرض آسیب می‌باشد.

سازمان‌های حامی و حمایت‌گر

نقش سازمان‌های حامی بعنوان یک عامل و مولفه اصلی در حمایت از دختران فراری که از خانه دل بریده و برای فرار از مشکلات درونی خانواده به خیابان پناه می‌برند، دارای اهمیت فراوانی است. در صورت فقدان نهادهای حمایت‌گر یا بی‌اطلاعی دختران فراری از حمایت و پشتیبانی‌شان، آنها ممکن است جذب باندهای فساد، فحشاء، سرقت، قاچاق، سرقت و غیره گردند. در چنین وضعیتی فرد با افزایش خطر ابتلاء به بیماری‌هایی نظیر هیپاتیت، ایدز و سایر مسایل و مشکلات بهداشتی روبرو بوده و برای کاستن از آن به خودکشی یا آلوده کردن سایر افراد اقدام نماید. وندر پلاگ و همکاران (۱۹۹۷) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که حدود ۸۵ درصد از جوانان بی‌خانمان و فراری از روش‌های مقابله‌ای ناموثر توام با بی‌کفایتی استفاده می‌کنند. برخی از دختران در مصاحبه خود به این نکته اشاره نمودند که دلیل فرار از مشکلات و تنگناهای ایجاد شده در خانواده و بی‌سرپناهی و عدم اطلاع از حمایت نهاد یا سازمان‌های دولتی، در محیط بیرون از خانه، به محض روبرو شدن با افراد غریبه، اغلب با پیشنهادهایی از طرف راننده تاکسی‌ها یا مسافرکش‌های شخصی روبرو می‌شدند یا برخی موارد با پیشنهادهایی ازدواج افرادی مواجه می‌شدند که به مرور با تکرار چنین رفتارهایی از طرف این افراد و ارتباط تلفنی، وسوسه می‌شدند و شروع به ارتباط و برقراری دوستی می‌نمودند. یکی از مصاحبه شدگان می‌گوید " یک روز عصر با برادرم درگیر شدم و برادرم مرا کتک زد و من هم از خانه بیرون رفتم و گفتم دیگر خسته شدم و به خانه بر نمی‌گردم. وقتی چندساعت گذشت و شب شد، ترس تمام وجودم را فراگرفت و افراد غریبه با متلک و پیشنهادهای غیراخلاقی مورد آزار و اذیت قرار می‌دادند. من هم خیلی ترسیده بودم بی‌هدف سوار یک ماشین غریبه شدم. راننده سر صحبت را باز کرد و متوجه شد از خانه فرار کرده‌ام. بهم پیشنهاد داد و من هم که جز آن راهی نداشتم، وسوسه شدم و پذیرفتم.

بحث و نتیجه‌گیری

فرار دختران از منزل یکی از پدیده‌های اجتماعی جامعه ایرانی است که بازتاب علل و عوامل مختلفی است. تحقیقات فراوانی در این خصوص صورت گرفته است و هر کدام از حوزه خاصی به این معضل و مسئله اجتماعی پرداخته است. بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عواملی مانند؛ وضعیت خانواده و والدین،

دوستان و همسالان، فضای اجتماعی و جامعه، عضویت در شبکه های اجتماعی و ویژگیها و خصیصه های فردی در میزان کاهش یا افزایش این پدیده تاثیرگذار است. نتایج این پژوهش نشان داد که مشکلات موجود در خانواده از جمله؛ خشونت، نبودن روابط عاطفی، غیبت پدر و مادر یا غیبت یکی از والدین در خانواده های بی سرپرست، طلاق یا فوت و روابط سختگیرانه یا برعکس آزادی نامحدود، از مهمترین عوامل خانوادگی در فرار دختران است. عوامل فردی نظیر؛ خود کم بینی، روابط دوستی با جنس مخالف، کاهش عزت نفس و اعتماد به نفس، ضعف مهارت ارتباطی و اجتماعی، افسردگی، لجبازی و حس استقلال طلبی در این پدیده نقش دارند. عوامل اجتماعی؛ همسالان، گروه های قواد و خاله، توریستی بودن شهر آمل در نتیجه نزدیکی فاصله جغرافیایی به تهران، مراکز تفریحی آلوده، قلیان سراها و آرایشگاههای زنانه که مقدمات آشنایی و ایجاد وسوسه و انگیزه اولیه برای ورود دختران به این پدیده را افزایش می دهند. عامل ضعف آخر سازمان و نهادهای حمایت گر به دلایل مختلف (ساختار، کارشناس متخصص، بودجه، اولویت سایر مسایل اجتماعی و غیره) در شناسایی، حمایت، بازپروری، اصلاح و برگشت به خانواده است. پیشینه تجربی گردآوری شده در این پژوهش نیز بر نقش خانواده، ویژگی های فردی، جامعه و حمایت ضعیف سازمان مسئول در پدیده فرار دختران از منزل تاکید می کنند. اردلان و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقشان به این نتیجه رسیدند؛ بی سرپرستی و بدسرپرستی خانواده، طلاق، ضعف شبکه حمایت اجتماعی، سوء استفاده و آزار، طرد و غفلت در خانواده، ضعف سازگاری و وابستگی اجتماعی را از عوامل موثر بر فرار دختران از منزل بوده است. فردوسیان و همکاران در استان چهارمحال بختیاری (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که دختران به دلایلی همچون؛ خشونت خانگی خویشاوندان مرد از جمله پدر و برادر، عدم موفقیت در تحصیل، ویژگی های روانشناختی، از هم گسیختگی خانوادگی، فقر و کمبود امکانات مالی خانواده ها از خانه فرار نموده اند. شماره (۱۳۸۷) تحقیقی در زمینه ی متغیرهای جامعه شناختی مرتبط با ریسک فرار از خانه در میان ۵۰۰ نفر از دختران شهر مشهد با روش پیمایش انجام داده است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که بین تعداد اعضای خانواده، سن و سطح تحصیلات والدین، درآمد والدین و وضعیت تحصیلی با ریسک فرار از خانه در میان دختران نوجوان، رابطه معناداری وجود دارد. فتیل و همکاران (۱۹۹۲) نیز بر اساس مصاحبه با ۱۵۰ جوان بی خانمان و فراری از منزل، نرخ بروز اختلال افسردگی اساسی را حدود ۵۰ درصد و اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) را ۲۰ درصد گزارش نمودند. در مطالعه آن ها ۲۷ درصد فراریان اقدام به خودکشی داشتند که این بازتاب وضعیت ناامیدی برخی از این افراد است. چهار ویژگی روان شناختی دیگر شامل عزت نفس پایین، فقدان کنترل ایگو، روش مقابله ناموثر و کانون کنترل برون زا از ویژگی های فردی در فرار از منزل است.

هاشمی و همکاران در تحقیقی با عنوان عوامل موثر بر فرار دختران از منزل (مطالعه موردی شهرهای تهران و مشهد) سال (۱۳۸۷) به این نتیجه رسیدند که تفاوت معناداری در شاخص های زیر بین دختران فراری و غیرفراری وجود دارد؛ ناستواری روابط والدین، واگذاری مسئولیت بزرگسالان به دختران، وجود

سابقه جرم یا رفتار انحرافی در خانواده دختران. همچنین نتایج رگرسیونی حاکی از آن است که متغیرهای نالاستواری روابط والدین، سبک تربیتی خانواده، موقعیت اجتماعی اقتصادی، نوع رابطه دختران با پدر، خودپنداره، تضاد دختران با والدین و پابندی خانواده به ارزش‌های دینی در پیش‌بینی متغیر فرار دختران از منزل معنادار بوده است.

با توجه به اینکه داده‌های تحقیق حاضر از سه جامعه آماری شامل؛ دختران فراری، کارشناسان بهزیستی، اورژانس اجتماعی و کارشناسان انتظامی جمع‌آوری گردیده؛ سعی شد تمام ابعاد و جنبه‌های موثر در این پدیده را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد، در ادامه برخی از دلایل از نظر افراد شرکت‌کننده در این پژوهش بصورت مجزا بیان و در انتها پیشنهادهای کاربردی ارائه می‌گردد.

خلاصه نظرات و دیدگاه‌ها در حوزه پلیسی و انتظامی

-در شهرستان آمل دلیل بسیاری از فرارهای دختران از منزل، رابطه با جنس مخالف و اغفال دختران با وسوسه و وعده دروغین ازدواج از طرف پسران بوده است، اما بعضاً خانواده‌ها به دلیل حفظ آبرو موضوع را به شکل دیگر اعلام می‌کنند.

-بسیاری از رفتارهای ترک منزل برای اعتراض و حتی فشار به خانواده برای اجابت خواسته توسط دختر می‌باشد.

-اغلب روابط نامشروع و قول ازدواج که زمینه فرار را فراهم می‌کند منجر به اغفال دختران و عدم وفای به عهد توسط طرف مقابل شده و عدم امکان بازگشت به علت مسائل حیثیتی، ترس تنبیه توسط والدین و اعضای خانواده وجود دارد.

-استفاده نامناسب از امکانات و تکنولوژی‌های جدید مانند (شبکه‌های فضای مجازی، اینترنت، ماهواره و خصوصاً موبایل) باعث افزایش زمینه و فکر فرار دختران از منزل می‌شود.

-گسترش فعالیت قلیان سراها و آرایشگاه‌های زنانه در شهرستان نیز محفلی دائمی برای گذران وقت، تفریحات شبانه و مخفیانه دختران و زنان مطلقه گردیده و برخی از افراد و مشتریان دائمی نقش هماهنگ‌کننده و دلال واسطه خوشگذرانی دیگران و سوء استفاده از بی‌پناهی و بی‌مکانی این قشر افراد (دختران و زنان فراری از منزل) شده‌اند.

-یکی از مشکلات موجود عدم وجود سامانه‌های مشترک بین سازمان‌های دخیل مانند اداره بهزیستی، مراکز پلیس مانند کلانتری‌ها، پلیس اطلاعات، پلیس آگاهی و معاونت اجتماعی است و چندین آمار مختلف در این ادارات وجود دارد که تبیین، توصیف و تحلیل دقیق برای تصمیم‌گیری را در امر فرار دختران از منزل دشوار می‌سازد.

-موضوع فرار دختران از منزل به عنوان اولویت جرائم و قابل بحث در کمیسیون های اصلی مراجع انتظامی نمی باشد.

نظرات کارشناسان اجتماعی و مددکاران

-کم‌رنگ شدن آموزه های دینی و شکسته شدن قبح روابط ناسالم با جنس مخالف موضوع جدی است.

-بی بندوباری خانواده ها نیز زمینه ارتباط ناسالم با نامحرم و شروع ارتباط نامشروع (جنسی) و اغفال توام با شکست عاطفی و تصمیم اشتباه برای فرار از وضعیت ایجاد شده توسط دختر است.

-رهایی از فشارها، تحمیل ها، اجبارها و تضاد، در نهایت خشونت است که در خانواده نسبت به آنها ابراز می شود (این خشونت به ویژه از سوی پدر، برادر و بعضاً عمو و سایر خویشاوندان اعمال می شود).

-امکان بهره برداری همزمان از چندین شماره همراه اپراتورهای تلفن همراه توسط دختران نسبت به گذشته، برقراری ارتباط و قرارهای حضوری را راحت تر ساخته است.

-برخی دختران به دلیل عدم موفقیت در تحصیل و عدم پاسخگویی به انتظارات والدین در این زمینه دست به فرار می زنند. این امر به ویژه در خانواده هایی که فرزندان خود را دائماً با دیگران مقایسه می نمایند و شکست های تحصیلی آنها را مایه بدنامی خانواده دانسته و به عنوان عاملی برای سرزنش و سرکوفت از آن بهره می جویند، بیشتر است.

-تبعیض جنسیتی بین فرزندان و ترجیح دادن پسران بر دختران نیز به عنوان عاملی مؤثر در مصاحبه ها، نمایانگر گرایش بیشتر دختران به فرار از منزل بود.

-عاملی دیگر، نگاه سنتی برخی والدین است که تصور می کنند می توانند با محدود کردن و حصار کشیدن بر رفتار دختران، از آنها مراقبت کنند؛ در نتیجه آنها را از برقراری ارتباط با دوستان، ادامه تحصیل یا پذیرفتن هر نوع شغلی منع می کنند که این نوع رفتار برخلاف تصور آنها اثرات منفی و مخربی برجای می گذارد.

-ضعف اعتماد به نفس و نوع نگرش منفی دختران به خود، عامل دیگری است که منجر به فرار آنها از منزل می شود.

-عامل دیگر، طلاق و جدایی والدین است. در چنین خانواده‌هایی فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست می‌دهند، هیچ حامی در جریان زندگی نداشته و در پاره‌ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، خود را در دریای موج اجتماع رها می‌سازند.

-کم رنگ شدن نقش مادر در خانواده آسیب پذیر به دلیل فعالیت و مشاغل اجتماعی بیرون از خانه منجر به ایجاد خلا عاطفی در دختران و زمینه پناه آوردن به دوست، ناشناس و جنس مخالف می‌گردد.

پیشنهادها: (فردی، خانواده، اجتماع و جامعه)

۱. کاهش و عدم ابراز خشونت فیزیکی و کلامی و ناسازگاری والدین در حضور فرزندان، ابراز اختلافات و خشونت‌های کلامی خانوادگی یکی از راهکارهای پیشگیری کاهش فرار دختران می‌باشد.

۲. برقراری روابط عاطفی، تنظیم وقت برای گذران با فرزندان (بازی، تفریح، سینما، پارک، درد دل و گفت و شنود و غیره) از مهمترین عوامل نزدیکی و داشتن روابط گرم با فرزندان است.

۳. ایجاد حس خودباوری، خوداتکایی و ارتباط و برخورد با آسیب‌های اجتماعی، وسوسه‌ها و وعده‌های دروغین افراد غریبه در قالب برنامه‌های پرورشی برای دختران خصوصا محلات آسیب پذیر در مدارس اجرا گردد.

۴. پرهیز از خشونت و کتک کاری فرزندان و جایگزینی آن با مشاوره، مشورت، مهارت‌های کنترل خشم و سایر اقدامات جایگزین در مورد کارهای اشتباه فرزندان اقدام نماید.

۵. پذیرش اشتباه فرزندان و تلاش در جهت اصلاح رفتار و بازگشت به آغوش خانواده و اصلاح محیط خانواده به منظور جلوگیری از فرار مجدد آنها توسط والدین بعمل آید.

۶. تقویت و ساماندهی سازمان‌های مردم نهاد و داوطلب جهت توانمندسازی خانواده‌های در معرض آسیب‌های اجتماعی که این امر همت و تلاش مضاعف متولیان امر را می‌طلبد.

۷. تربیت، آموزش کارشناسان داوطلب برای همکاری و یا استفاده از کارشناسان و متخصصین باتجربه مردمی جهت همکاری و ارجاع شخصی خانواده‌های در معرض خطر با حفظ محرمانگی.

۸. جلب همکاری افراد خیر و صاحبان مراکز تولیدی برای بکارگیری والدین یا دختران جهت کار برای کمک هزینه معیشتی. روش مناسب تامین نیازهای اقتصادی خانواده‌های در معرض خطر می‌باشد.

۹. استفاده از ظرفیت های دینی در قالب کلاس های فوق برنامه دینی در مدارس و مساجد محلات آسیب پذیر
۱۰. حمایت مالی، مشاوره‌ای از خانواده های آسیب پذیر و در معرض خطر، بی سرپرست و بد سرپرست توسط سازمان بهزیستی و سازمان های زیربسط بعمل آید.
۱۱. ارائه بسته های آموزشی مرتبط به خانواده های که فرزندان آنها دارای سابقه فرار بوده و به منظور بهبود روابط آنان با فرزندان شان و فراموشی یادآوری خاطرات تلخ آنان و پرهیز از سرزنش، توبیخ و تنبیه بدنی آنها توسط مراکز مشاوره بهزیستی و پلیس صورت پذیرد.
۱۲. فرهنگ سازی در جهت شناسایی حقوق و تکالیف والدین و فرزندان نسبت به یکدیگر از طریق برنامه های فرهنگی و آموزشی صدا و سیما مرکز استانی، تربیون های مساجد، مدارس، جلسات اولیا و مربیان و برگزاری کارگاه های آموزشی توسط کارشناسان پلیس، اداره بهزیستی برای خانواده ها اقدام گردد.
۱۳. آموزش مهارت زندگی در خانواده و جامعه بعد از پایان دوران دبستان تا پایان مقطع پیش دانشگاهی همراه با برنامه های آموزشی محور زناشویی در همه ابعاد توسط مدارس با همکاری اداره بهزیستی و کارشناسان پلیس برای خانواده ها
۱۴. تهیه و نمایش فیلم های آموزشی درباره اثرات انواع روش های نادرست تربیتی (از جمله محدودیت های زیاد، آزادی های بیش از حد، فاصله عاطفی با فرزندان و غیره) برای آگاهی بخشی والدین توسط بهزیستی و معاونت اجتماعی انتظامی استان و مرکز صدا و سیما استانی در مدارس نمایش داده شود.
۱۵. تقویت مراکز مشاوره ای در مدارس، مناطق آموزش و پرورش شهرستان که همکاری بین سازمان بهزیستی، اداره آموزش و پرورش و پلیس را می طلبد.
۱۶. استفاده از تست های روان شناختی سلامت روان از تمام دختران در مقاطع حساس تحصیلی راهنمائی و دبیرستان و تشخیص کودکان مستعد فرار، انجام بررسی های بیش تر جهت تشخیص مشکلات روانی و اجتماعی و خانوادگی آنها و مداخله در بحران با مکانیزم های مناسب صورت پذیرد.
۱۷. شناسایی پاتوق ها، قلیان سراها، مکان های آلوده و آرایشگاهها با همکاری اورژانس اجتماعی، بهزیستی و پلیس و تشویق افراد شاغل در این مراکز و اماکن تا در صورت مشاهده دختران فراری و مشکوک که برای پیشگیری از پیامد بعدی به اداره بهزیستی و پلیس اطلاع رسانی و همکاری نمایند.

۱۸. سرکشی مسولان (استاندار، فرماندار، شهردار، فرماندهان انتظامی و سپاه و مسولان قضایی) از مراکز نگهداری و اختصاص بودجه، امکانات رفاهی، آموزشی برای رفع مشکلات دختران و خانواده های آنها

۱۹. برگزاری اردوهای کوتاه مدت سیاحتی، تفریحی، زیارتی ورزشی، برای دختران و مادران در معرض خطر با مشارکت واحدهای فرهنگی اجتماعی شهرها مانند بسیج، فرمانداری، شهرداری، بخش خصوصی باعث تغییر روحیه، اعتماد به نفس دختران و مادران در معرض خطر می شود.

۲۰. تشکیل کارگروه های تخصصی در سطح شهرستان بین سازمان های ذی مدخل پلیس، بهزیستی، فرمانداری، شهرداری، بسیج، سازمان ورزش و جوانان، اداره فرهنگ و ارشاد، ائمه جمعه و شناسائی علل و اتخاذ راهکار مناسب

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). جامعه شناسی انحرافات. چاپ اول، انتشارات سمت.
- احمدی، ح. (۱۳۸۴). جامعه شناسی انحرافات. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
- اردلان، علی. (۱۳۸۱). بررسی پدیده فرار دختران از منزل. طرح تحقیقاتی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- اردلان، علی؛ سیدان، فریبا؛ ذوالفقاری، مصطفی. (۱۳۸۷). عوامل موثر بر فرار دختران از خانه. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۹
- افراسیابی، حسین و عرب مقدم، نرگس (۱۳۹۰)، مطالعه مرتبط با گرایش نوجوانان به فرار از خانه، فصلنامه دانش انتظامی، سال سیزدهم، شماره ۲، صص ۱۶۳-۱۸۹.
- آقابخش، ح. (۱۳۸۸). اعتیاد و آسیب شناسی خانواده، رویکرد مددکاری اجتماعی به مسائل و آسیب های جامعه ای. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۰)، چشم انداز سیاست جنایی در زمینه پیشگیری مشارکتی از جرم، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۶ ص ۹۱ (یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها)
- جوادی یگانه، محمدرضا و اکبر فروع الدین عدل (۱۳۸۴). مسئله دختران فرار، ی تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
- حمیدی، فریده، (۱۳۹۲)، تأثیر ساخت خانواده بر فرار دختران، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۳، صص ۸۵-۱۰۱

- زواره ای، ف. (۱۳۸۰). بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر فرار دختران از منزل. رساله کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- سبزی خوشنامی محمد، علی نیا جنگلی وهاب. (۱۳۹۲) "رویکردی کیفی بر فرآیند فرار دختران از منزل." ۱۶۶-۱۵۱.
- سروستانی صدیق، رحمت الله، (۱۳۸۷) آسیب شناسی اجتماعی، تهران، نشر سمت
- سیدامامی، ک. (۱۳۸۷). ادراک گروه های قومی از تصاویر رسانه ای خود. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۴.
- شاره، حسین، (۱۳۸۷)، ارتباط متغیرهای جمعیت‌شناختی با ریسک فرار از منزل در دختران و نوجوانان شهر مشهد، فصلنامه اصول بهداشت روانی، سال دهم، شماره ۳۷.
- صنعتی، فریده. (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر فرار دختران ۲۶-۱۲ ساله از منزل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- علی وردی نیا، اکبر و خوشفر، غلامرضا و حمیده اسدی (۱۳۸۹) مقاله مطالعه جامعه شناسی گرایش دختران دانش آموز به فرار از منزل، فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۹، شماره ۲، سال ۱۳۹۰، صص ۲۵-۵۴
- علی وردی نیا، اکبر ۱۳۹۳، مقاله مدیریت پیشگیری از جرم در ایران، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره ۸، صص ۳۷ تا ۵۸
- غریبی، حسن (۱۳۸۶). روان شناسی کاربردی، دوره ی اول، شماره ی ۴، صص ۳۰ - ۳۶.
- فتحی، م (۱۳۸۶). عوامل خانوادگی مؤثر بر فرار دختران از منزل، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۷
- فردوسیان، فرحناز؛ مهری، علی اصغر (۱۳۹۳). بررسی علل فرار دختران از منزل و ارائه راهکارهایی برای مقابله با آن، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی، شماره ۷، استان چهارمحال بختیاری، پاییز ۱۳۹۳.
- قایضی مهابادی، علیرضا. (۱۳۸۸). بررسی علل اجتماعی فرار دختران از خانه، اصلاح و تربیت، شماره ۷۳ و ۷۴، سال هفتم، صص ۱۴-۱۰.
- کامرانی فکور، شهربانو (۱۳۸۵)، شیوع خشونت های خانوادگی تجربه شده در کودکان فراری و غیر فراری، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۹۷-۲۱۸.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۲). فرار دختران چرا؟ تهران: گرایش.
- معاونت اجتماعی ناجا، اداره کل مطالعات اجتماعی، (۱۳۸۹)، کتاب سال امنیت اجتماعی، انتشارات آشنایی، چاپ دوم.

- معتمدی، سید هادی، (۱۳۸۴)، درآمدی بر پدیده‌های فرار دختران و زنان از خانه، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، (شماره ۲)، معاونت اجتماعی ناجا، چاپ اول
- هاشمی، سید ضیا و فاطمی، زینب و فولادیان، مجید (۱۳۸۸) پیامدهای فرار دختران از منزل، مقاله، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۱ شماره ۴۰ صص ۱۶۱-۱۸۷

- Bao, WN.; Whitbeck, LB. & Hoyt, D. (2000), "Abuse, Support, and Depression among Homeless and Runaway Adolescent", *Journal of Health and Social Behavior*, ۴۱.

- Fetel, B.; Margetson, N.; Chamas, J. & Lipman, C. (۱۹۹۲), "Psychological Background and Behavioral and Emotional Disorders of Homeless and Runaway Youth, *Hospital and Community Psychiatry*, Feb, ۳(۲).

- Kurtz, PD.; Kurtz, GL. & Jarvis, SV. (۱۹۹۱), "Problems of Maltreated Runaway Youth", *Adolescence*, ۲۶(۱۰۳).

Causes and Factors of Girls' Escape from Home

(A Case Study of Amol City)

Mohammad barany
Abdollah Hassanzadeh Moghaddam
naser peikari

Abstract

The purpose of this study was to investigate the causes and motivations of girls escaping from home and trying to study the phenomenon of escape from different aspects. This study was conducted in a qualitative manner with content analysis technique. In this study, in-depth interviews were conducted with 10 girls who fled their homes in 1398. And they were filing in the welfare and law enforcement agencies, in-depth interviews were conducted and in a few stages, the materials were categorized and analyzed. We also interviewed a number of social welfare and emergency experts in Amol and Sari and a number of Amol and Sari police experts on the causes and causes of girls' escape from their homes. The results of the present study were classified into four main categories: family, individual, community, and supportive organizations. The results of the study indicate that the family as the first and most important institution of society has an important role in the upbringing and socialization of children with collective standards and values. And in the event of a malfunction or incorrect operation, the consequences for children will be awaiting. The second factor is the personality and personality traits that will respond to family and social problems. The third factor is the community and its elements that play an important role in exacerbating or reducing the damage to children. Ultimately, support and advocacy organizations will play an important role in moderating, rehabilitating, reforming, and re-socializing the affected person if the inefficient family and individual personality and community environment are shaken.

Keywords: Runaway, Runaway Girls, Amol City, Home